

# مایمیز باز بر زنگ که کودکان

## محن این حسن شیر این دجله عجمی مرسان کوکسانا

از هفتمین هر کس مطابق حرفاً و شغل خود استفاده می‌کند، «در موسم خزان هنگامی که در خان رنگ اعلیانی بخود می‌گیرند، در پیر جنگل آنها که سیم در خانشان و زواند نوازنده میدهد مسافر خست و ناتوان بخطوانش که از استراحت در زیر در خان آن خواهد چشید و تاجر چوب فروش بیانی که از قلعه شاهزاده‌ای آن پدست می‌آورد فکر می‌کند ولی هنرمند آن را بعاظر خود و قننه یعنی بنظر بن آلایش تشاکرده و فکر و عیال هر گونه استفاده آنی با آنی را بگزار می‌گذارد» و همین کودک پیشنهاد کان زیبا و خوش العان و سرگرمیهای کودکانه خود در آن جنگل می‌اندیشد.

وهمهین هر مندادست که بالعلم مویش «پایمیر جنگل» را ترسیم می‌کند وینندگان را تحسین و اقامه از آن کودک است که بزم زیبائی و اتفاق می‌گردد و دنیای شاد و زیبای خود را بوجود می‌آورد.

## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### کودک موجود قابل مطالعه

قبل از آنکه بخواهم در بازه نایبر یازی و هنر در زندگی کودکان توضیح‌خواهی بهم لازم می‌بینم که ابتدا از خود کودک، از زندگی ساده و پر هیجان او شروع کنم و زندگی این موجود کوچک قابل مطالعه را آن‌ججا که بگارها ارتیاط دارد پرسی نمایم، علمای علوم روانشناسی و آموزش دیرورش بر اثر کاوش و بررسی دقیق روی زندگی کودکان بشکل بسیار حساس و شایان توجهی برخورده‌اند که امن و زده و داستفاده آموزش و پرورش جدید قرار گرفته است.

در زندگی بظاهر ساده کودکان نکان عمیق و اسرار آمیز وجود دارد که هنوز برای علمای روانشناسی ناشناخته عالم دادست.

فروید بسیم سرچشم کلیه ناراحتی‌های روحی را بدوران کودکی مربوط می‌سازد و

برای درمان بیماران خودزندگی دوران کودکی آنها مورد بررسی قرار گیرد.

آیا میشود فهمید کودکی که بوسیله مزبور خود توبیخ میشود و باقیافه گرفته و در دنای ساعتها در گوشها میل شیند و کلمه‌ای سمعت نمیکند بهجهه می‌اندیشد؟ و باز میشود فهمید که افکار این کودک چه تاثیری در زندگی آینده او دارد؟ ... بله، علوم روان‌کاری و روان‌شناسی بهاین مشهودات پاسخ داده است. تأثیرات در دنای کودک دوران طفوایت بعضی از کودکان سبب میشود که در شیوه جوانی گرفتار اختلالات فکری گردند و در حقیقت اشتباه یا که مزبور موجب عاقبت بسیار در دنای کوشا شاید و حشمت آور میشود.

ضمیر کودکان چون آئینه‌ای ساف و یاک است در این آئینه روش دیالکتریک کوشه نقشی میتواند منعکس گردد. خوبیها و بدیها با تمام قدرت در آن آئینه توان خود تعاملی دارند. باید فراموش کرد که آینده یاک کودک بستگی به اتفاقش در آینه دارد، اگر این تصاویر خوب و انسان پاشد او را انسان پار می‌آورد و اگر زشت و شبطنانی باشد بیان اخراج او میگردد. در حقیقت محبیها و کانون تعلیم و تربیت کودکان سراوشت آینده آنها را غیبین میکند کودکان مستعدند و هرچه با آنها بیاموزید می‌اموزند.

کودک زیر پستان مادر در حالی که نگاه آرام و راضی خود را پژشمان مادرش میدوزد بر مزاعشق و محبت بی میبرد.

کودک در کشان پدر آنگاه که با خطری بر خورد میکند و از ترس خود را در آغوش ای میاندازد مفهوم حمایت را حس میکند.

کودک آنگاه که روی صندای کودکشان و مدرسه قرار میگیرد و داستانی را از مزبور خود میشنود ذوقش را بروزش میدهد و به اهمیت کتابیکه بیش از او همیانندی میبرد و بهمین جهت با آنها احترام میکند.

حال اگر کودکی از این مواعظ طبیعی محروم باشد بعضی مادری بپاشد که او را در آغوش بکشد و از محنتش برخوردار گردد البته این این قدر کوشه کان؛ سر برست داشتن مزبور را راهنمای محروم باشد میدانید که چه طوفانی در وجود او میگردید میاید؟ و این محرومیتها چه واکنشهایی در زندگی آینده او بوجود می‌اورند؟

بلی، «فانلين» مجاهین بیماران روحی و روانی همه از این قدر کوشه کان؛ سر برست بودند اهر چقدر بیشتر در باره زندگی کودکان نفعش شود و هر قدر علم و انتشاری کودکان وسیع نر و بیهوده باز نمی شود به حد یاک اسر ارزندگی این موجودات کوچک بی برد بلکه فقط میشود برای تربیت آنها از کلیاتی که مکشوف گردیده استفاده کرد.

در بین مردم عادی رسم چنین است که هر کاری کوشه بکند معیگویند بچه است و لعینه مده و حال آنکه نمیدانید که او بچه است و بهتر می فهمد.

او بچه است و وقتی می بیند که هم بازی اش لیاس فشنگ بیوشیده و او ندارد میراجد و ناراحت میشود.

او بچه است و وقتی میبیند که هم بازی اش مادری مهر بان دارد و حال آنکه مادر او آنقدرها هم بیان نیست حسد می برد و نیست، بزرگی بذین میگردد و بهمین ترتیب رفتار

پدر، معلم، دوست و همه چیز.

باید صریح بگویم بجهه خوب میفهمد و آن ماهستیم که امی فهمیم، ما هستیم که

تشخیص نمیدهیم و همین اشتباه هاست که در نتیجه باعث بدبهختی جوانان فردامیشود.  
 بازی کودک و دنیای تخیلی او

قبل از آنکه کودک سخن بگوید و حتی خوب راه برود بازی میکند؛ ابتدا بازیجه های او مشخص و معین نیستند ولی بعداً هرچه بزر گتر می شود بازیجه هایش مشخص تر و متنوع تر و وضع بازی او جالب تر میگردد.

در هر حال کودک به رسمی که باشد بازی میکند و ما از همین نکته میخواهیم استفاده کنیم و مطالب خود را دنبال نمائیم.

بازی سرگرمی کودک است. حرفة اوست و در حقیقت میشود بازی را اولین مرحله زندگی کودکان که انسانی قریب مراحل زندگی پسرانست داشت. شیلر شاعر و هنرمند مشهور آلمانی درباره بازی میگوید: «انسان بازی نمیکند مگر وقتیکه واقعاً و حقیقتاً قدم عالم انسانیت گذارد» باشد و او واقعاً و حقیقتاً انسان نیست مگر وقتیکه بازی مینماید. کودک با بازیجه های خود بدبیای اجرام راه می باید، آنها زندگی می بخشنده خود در میانشان زندگی میکند. عروسکها برای ما حکم موجودات بی جانی را دارند و حال آنکه برای کودک دوستانی هستند و قادرند همه جیشی که هر گز او را نمیرنجانند و اونر جیع میدهد که ساعتها در میان آنها به نشینند. با آنها بازی کنند تا آنکه باید کودک همنشین باشد و هر گاه کودکی هم بجمع ازو عروسکهایش تزدیک شود باز منتفقاً عالم عروسکها میروند و کودک تازه وارد هم در حکم عروسکی در میابد که بعروسکهای دیگر اتفاق نمیگردد. حال هر قدر در اصول آموزش و پرورش اصول و نکات آموزشی بیازیجه شباht بیشتری داشته باشد کودک از آن بیشتر استقبال میکند.

القبا - ورزش - کاردستی - دقق - سرود موسیقی همه و همه باید برای کودک حکم بازیجه را داشته باشند. اکثر کودکان از مکتب میگرددند و در حال حاضر از کودکستان بمعنای واقعی استقبال میکنند باین جهت است که مکتب خانه با طرز تدریس غلط خود بیچوجه بازی سر و کار نداشته و حال آنکه کودکستان محل بازی و تفریح کودکان است.



درس معلم اربود زمزمهٔ محبتی

کودک در میان بازیچه‌هایش را در رسم زندگی را، متنها با کمال سادگی و غرافت دنبال میکند. بهمانگونه که مادری بچه‌اش را خواب میکند کودک عروسکش را در آغوش کشیده و نوازش میکند، بهمان طریق که مادر و پدری از مهمانهایشان یذیرانی مینمایند او باعروسکهایش مهمان بازی میکند و از همین جاست که دلایل خیالی کودک پدیده می‌باشد و کودک در میان فانتزی‌های کوچک‌گویی که‌هزاده اندیشه‌اوست غوطه‌ور می‌شود.

کودک از زندگی اطراف خود، از وضع رفتار پدرش، نسبت با فرد خانواده او، از دامات‌هایی که برایش می‌گویند، از همیازی‌ها و بازیچه‌هایش متأثر می‌شود و دلایل خیالی خود را روی همین تأثرات (خوب یا بد) بنما می‌کند.

بچه‌ای را که از غول بیابانی و یادیبو و جن و پری میترسانند و برای اینکه بخيال خودشان لکنارند شيطانی! کنداش هیولاها و اشباح وحشت آور را در ذهن اومجمم می‌کند در عالم خیال بجز این اشباح چیزی بکری در ذهن اش مجسم نمی‌گردد و همین سبب می‌شود که او ترسو و کم جرئت بازی‌باید.

امروزه در جهان متعدد بیش از هر چیز به زندگی کودکان توجه می‌شود، برای بهتر نمودن وضع زندگی آنها متدهای صحیحی تدوین شده است که در این متدها یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت آشنا نمودن کودکان بازی‌های کوچک‌گون و مفرح و رشته‌های مختلف هنر‌های زیبا پژوهش شده است.

رقص از هر جهت به بازی نزدیک‌تر است و بیش از کلیه رشته‌های هنری مورد توجه کودکان می‌باشد.

کودک قبل از آنکه حرف بزند، بمحض شنیدن موسیقی دستهای خود را حر کت میدهد، بدور خود میچرخد و در حقیقت هم‌آهنگ با موسیقی می‌قصد و از همین جاست که بعضی از هنرشناسان، منشاء هنرهاى مختلف را از رقص که موزون ترین بازی‌هاست میدانند.

از جمله «توفیل ریبو» روانشناش معروف فرانسوی معتقد است که «رقص هنر نخستین وحدو اسیط میان بازی و هنرهاي دیگر است».

کلیه کودکان بر قص و موسیقی علاقمندند و برای آنها رقص یک نوع بازی مفرح و جالب می‌باشد و حتی وقتی میخواهند آهنگی را بخوانند بیشتر هیل دارند که آنرا توان با رقص و حر کت بخوانند و بهمین جهت سرونهای کودکان اغلب توان باحر کن اجر امیشود. پس از آن کودکان بنمایش علاقمندی بیشتری نشان میدهند، نمایشانی که برای کودکان جالب است از جمله نمایشاتی است که روی داستانهای تخیلی پشاشه و در آن فانتزی‌ها و موجودات افسانه‌ای گنجانده شده باشد.

کودکان بیشتر دوست دارند سر گذشت کریه چکمه‌پوش، مرغ سعادت، دبو شاخ طلائی را بدانند و هرقدر فانتزی در این داستانها بیشتر باشد ذوق و شوق آنها برای شنیدن داستان و دیدن نمایش بیشتر می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۴

ز نگری (ابن‌اکتنده نقش‌های کارمن و مادام بیواری) و جونیفر جونز (دارنه نقش حساس در آن بر نادت) از زمان معروف فلور تهیه شده است هیچیک از هنریه این نامبرده نتوانسته‌اند آن جیزی که فلور خواسته است بوجود آورند. هیچیک از هنریشگان مذکور نتوانسته‌اند آنطور که باید نقش آن دختر اهل نرماندیر اکه درینه و قلب قرن نوزدهم قرار داده شده واز او کتاب مادام بیواری بوجود آمده است ایفا کنند.

با این ترتیب باشیستی گفت فلور شناس خوبی برای مینما نداشت. صنعت سینما ایلانکاتر دیگر فلور نیز فیلم تهیه نمود. این از «سالمبو» است. فیلم اول سالمبو بوسیله یک متور آسن ایالاتی در سال ۱۹۱۶ پروردید آمد. اما این از سینما نیاز لحاظ نکنیک و فرم ناقص بود. برای دومن بار کار گردان دیگری بنامبر ماردون (Pierre Marodon) در کی از استودیوهای وین از زمان سالمبو گوستاو فلور فیلم تهیه نمود که نایاش آن در ۱۹۲۰ اکبر ۱۹۲۵ دریاریس باستیان روپرشد.

ازینچه فیلم که ازدواج گوستاو فلور (مادام بیواری و سالمبو) اقتباس شده فقط همین فیلم اخیر تو است موقوفیتی بزرگ بدست آورد. علاوه‌قویت این فیلم خصوصیات سینمایی خود را منوحی اجرای دقیق «زان دو بالاک» استادرهای سینماهای فرانسو-آمریکا (که هنرده دو بالا ر را داده اند خود فلمداد می‌کرد) بود. طنکه همراهی موسيقی استادرهای متعطیق باعث هنرمندی فرانسوی فلوران اشیت باعث شد که فیلم اخیر سالمبو در مقابل بین‌المللی سینما بعنوان یک از قابل تلقی گردید و نهاده شد. که علاوه بر غن کریتیک موسيقی در تحلیل آثار فلور تبعه دارد و بر این نظر فلور تبست بشمار می‌آید در بازه این فیلم گفته است:

«بالآخر ماین تکه محیردا دیدم! از میان کسانی که با صیغه - درام سروکار دارند هیچکس نتوانست مثل فلوران اشیت خاطره فلور را در آنها نماید. اگر ما بمعاهدت ادین سالمبو بین بر دیم. این درک واستیباط مرهون موسيقی فلوران اشیت است!»

همکاری سینما و موسيقی همیشه توجه مطلوب داده است. به با آثار ادیست که برای آن موسيقی نوشته شده و سینما با همراهی همان موسيقی یک‌اتزیزی بدوستداران خود همراه داشت. این مورد نیز در اثر همکاری موسيقی فلوران اشیت بود که از «سالمبو». سینما به معوقیت انجامیده. هر قدر تلقیق و همکاری (سالمبو. سینما) منتج بنتیجه گشت همانقدر دریاره تلقیق و همکاری (مادام بیواری. سینما) توجه مطلوب حاصل نگردید. بطوری که باشیستی گفت کاری که این ساقیلم انجام داده هیچ بود. گمان نمی‌رود اگر خود فلور نهاده شد اجازه نماید ادامه بیواری بر داده آورند. شاید همچنان نسبه و است از (Emma) در زمان مورود به تصور بری ترسیم نمایند. صنعت سینمای امروز تمازی اعجیب دارد که از هر رمان قبلی تهیه کنند اما جیزی که از دش فیلم را تعبیه مینماید قدرت منتهی است.

## بهیه قافیه بازی در فنگی کودک

نمایشانی را که برای کودکان می‌شود نشان داد چند‌نوشت (سینما، نثار، نمایش عروسکی) جالب ترین نوع فیلم‌های کودکان فیلم‌های نقاشی متخرک و فیلم‌های عروسکی است. فیلم‌های نقاشی متخرک از نوع بهترین فیلم‌های کودکان است. در این نوع فیلم ها هنرمند کودکان را بازندگی حیوانات، گلها، موجودات دریائی آشنا می‌کند و از روی زندگی آنها برده بر میدارد و در حقیقت میان کودکان و موجودات طبیعی رابطه بر قرار می‌سازد. فیلم‌های عروسکی بخصوص فیلم‌هایی که برای کودکان تهیه می‌شود و موضوع آن زندگی حیوانات است بیش از هر چیز دیگر توجه کودکان را بخود معطوف میدارد.

ثار کودکان هماز لحاظه موضوع در همان زمینه فیلم‌های کودکان می‌باشد. دور بزرگ و زوی داستانهای کودکان تنظیم گردد و اما آنچه بیشتر مورد توجه است «نمایشات عروسکی» می‌باشد. نمایشات عروسکی نه مانند فیلم‌های غیرطبیعی و بسیار تساوی بر جلوه می‌کنند و نه مثل نثار کودکان بزرگی روزمره و حقیقی ش باهت دارد. بلکه برای کودکان دنیائی ایجاد می‌کند که کودک خواستار آن است عروسکها باحر کات جالب خود داستانهای را برای کودک شرح میدهدند. داستان پریها داستان یادداشان و داستان مردم. نمایشات عروسکی از جمله نمایشاتی است که برای تعلیم و تربیت کودکان مفید شنیده شده و بهمین جهت می‌باشد. آن توجه کافی بشود و از تیپی داده شود که کودکان از این نوع نمایشات استفاده های تایان ببرند.